

نوشتاری در باب آثار سهمگین کرونا بر پیکر زخم خورده بخش خصوصی ایران؛

بحران متصل

هنگامی که نخستین گروه از خانواده های طبقه متوسط یا کارگری در ایالات متحده از پرداخت اقساط وام های مسکن درماندند و بانک ها خانه های آنها را مالک شدند، تصویر ساده ای از گسترش فقر و کاهش قدرت خرید در ایالات متحده به چشم مردمان آمد، سپس با گسترش موضوع و افزایش تعداد خانه هایی که به عنوان وثیقه توقیف شده و روی دست بانک ها مانده بود، آن تصویر ساده به یک مشکل بانکی تبدیل شد که ابعاد ملی داشت و می شد نام آن را بحران گذاشت. چند بانک ورشکست شدند و مؤسسات وابسته به آنها از میان رفتند. سپس بحران، اقیانوس اطلس را پیمود و به نقاط دوردستی چون ایسلند رسید که کل نظام بانکی آن و پس انداز مردمش توسط بحران بانکی بین المللی بلعیده شد. آتشفشان بحران بیدار شده و زلزله حاصل از آن تا عمق اروپا را لرزاند. دنیا برای همه تغییر کرد...

این ذات بحران متصل است؛ بحرانی که در سال ۲۰۰۸ اقتصاد جهان را زمین گیر کرد در مقایسه با برهه کنونی چه از نظر عمق و چه از منظر اثرگذاری به هیچ عنوان قابل قیاس نیست و به ادغان اهالی اقتصادی از جنگ جهانی به بعد، هیچ واقعه ای به اندازه کرونا، اقتصاد جهان را دستخوش تغییر و آسیب نکرده بود. بحران ناشی از پاندمی کرونا با اختلال در زنجیره تامین، تجارت جهانی را در رکودی عمیق فرود برد و با گذشت بیش از یک سال به تازگی نشانه های از بهبود تجارت در بخش هایی از جهان به چشم می آید؛ رگه هایی که مختص اقتصادهای پیشرفته است و این نشانه های بهبود چندان ارتباطی به ایران ندارد. به همان سیاق که ایران در مراقبت و پیشگیری از شیوع بیماری و کنترل آن چندان موفق نبوده، در مراقبت از اقتصاد و فعالان اقتصادی هم دستاورد برجسته ای نداشته است.

شیوع کرونا در روزهای پایانی سال ۲۰۱۹، فراتر از پیش بینی ها اقتصاد جهان را متاثر کرد و به دلیل محدودیت ارتباط و بسته شدن مرزها، شدیدترین لطمه ها را به زیربخش هایی از اقتصاد زد که مرتبط با تجارت بود. چنانکه اخیرا سازمان تجارت جهانی طی وبیناری شیوع کرونا را طوفانی تعبیر کرد که تجارت جهانی کالا و خدمات را در سال ۲۰۲۰ را به طور قطعی تا ۲۴ درصد کاهش داد. از سوی دیگر، در همین بازه زمانی افزایش قیمت جهانی حمل و نقل نیز بار سنگین تری را به تجارت جهان وارد کرد.

بر خلاف بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ که تنها بخش هایی از اقتصاد جهان را درگیر کرد، کرونا تک تک کشورها و زیربخش های اقتصاد را به چالش کشید؛ ایران نیز از بحران در امان نماند. چنانکه طی دو دهه گذشته برای نخستین بار، تجارت ایران با کسری مواجه شد. در حالی که از ابتدای سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۱۹ ایران همواره شاهد مازاد تجاری در تمامی فصول بود، در سال ۲۰۲۰ با کسری بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلاری صادرات نسبت به واردات مواجه

شد. طی سال ۲۰۲۰ تحریم‌ها، شیوع کرونا و کاهش چشمگیر قیمت نفت در کنار هم قرار گرفت تا یکی از بزرگترین و جدی‌ترین چالش‌های اقتصادی ایران شکل گیرد.

چالش‌برانگیزتر از رخدادهای تحمیل شده بر اقتصاد ایران طی یک سال گذشته، آنچه همواره چهره بخش نحیف خصوصی اقتصاد را تکیده‌تر کرده و دایره آن‌ها را کوچک‌تر می‌کند، آن است که اشاره شد: نشانی از بهبود در روند اقتصادی و بازرگانی کشور دیده نمی‌شود. اکنون با گذشت قریب ۱۵ ماه از آغاز همه‌گیری کرونا، اقتصادهای بزرگ جهانی یا بازیابی شده یا در مسیر بهبود قرار گرفته‌اند، اما فعالان بخش‌های اقتصادی در ایران کماکان از کانون توجه و حمایت به دور هستند.

اینکه اقتصاد کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته توانست بحران را پشت سر گذاشته و در مسیر بازیابی قرار گیرد، فراتر از توان و ظرفیت‌های بزرگ اقتصادی کمپانی‌های قدرتمند و متکی به حمایت‌های دولتی بود. در کشورهایی چون آمریکا، چین و کره جنوبی رقمی معادل ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی برای حمایت از کسب‌وکارهای آسیب‌دیده ناشی از کرونا اختصاص یافت و در کشورهایی مانند آلمان و ژاپن حتی این رقم فراتر رفت و به ۱۸ درصد رسید. در مجموع، میانگین جهانی حمایت‌های دولتی از فعالان اقتصادی در بحران کرونا، کمتر از ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی نبود. این در حالی است که حمایت‌های دولتی در ایران به استناد آمارهای دولتی، از ۳ درصد هم فراتر نرفت.

چالش‌های دولت در تامین منابع مالی از یک سو به دلیل تحریم‌ها و محدود شدن فروش نفت از یک سو و البته باور نداشتن به جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد نفت‌محور ایران از سوی دیگر، سبب شد برنامه دولت برای حمایت از فعالان اقتصادی در زمان شیوع کرونا آنچنان که باید اثرگذار نباشد. لیک امروز شرایط ادامه حیات برای فعالان بخش خصوصی دشوارتر از قبل شده و اندک تعللی برای مدیریت بحران، می‌تواند فاجعه‌ای با ابعاد وسیع‌تر به همراه داشته باشد.

امروز، شرایط بخش خصوصی بی‌شبهت به سفره‌های آب خشک‌شده زیرزمینی نیست؛ سفره‌های آب زیرزمینی حیات‌شان به جاری بودن آب در آن‌هاست و اگر زمان خشک بودن‌شان طولانی شود، از بین می‌روند و پس از آن، هر مقدار بارندگی هم به این منابع زیرزمینی برسد، اثری نخواهد داشت؛ چراکه کارکرد سفره‌ها به وجود منابع و شیارهایی در زیر زمین است و به دلیل خشکی بیش از اندازه، از بین رفته است. بخش خصوصی نیز اکنون در چنین شرایطی قرار گرفته، محدودیت‌های ناشی از تحریم و شیوع کرونا از یک سو و قوانین مخل و موانع کسب‌وکار از سوی دیگر در حال خشک کردن تمام ظرفیت‌های بخش خصوصی است؛ که اگر روزی چنین اتفاقی بیفتد، بدون تردید سیل منابع و حمایت‌های دولتی هم ثمری نخواهد داشت و بارانی می‌شود در شوره‌زار.

حال در شرایط فعلی که نه نشانی از کنترل کرونا دیده می‌شود و نه امید روشنی به کاهش تحریم‌هاست و چرخ تجارت ایران، مسیر صعب و سنگلاخ را در پیش گرفته، چه باید کرد تا سفره تجارت کشور خشک نشود؟

صریح‌ترین و گویاترین پاسخ به این چالش در شعار سال که از سوی مقام معظم رهبری طرح شده، مستتر است: مانع‌زدایی. تردیدی نیست که چالش‌های اقتصادی ناشی از کرونا تا پایان ۱۴۰۰ هم ادامه خواهد داشت و چندان امیدی هم به کم‌اثر شدن تحریم‌های بین‌المللی در این بازه زمانی نیست. لیک در برهه کنونی از میان برداشتن قوانین مغل کسب‌وکار و تسهیل تجارت، بزرگترین خدمتی است که دولت می‌تواند برای نجات اقتصاد کرونازده انجام دهد. تسهیل قوانین مغل و آئین‌نامه‌های غیرکارشناسی و مزاحم در ۴ محور مالیاتی، تامین اجتماعی، گمرک و در نهایت بانک و بازار سرمایه، می‌تواند بخش خصوصی را به عنوان ستون فقرات اقتصاد از این گرداب حائل به سلامت عبور دهد.